



سید ابوریحان بیرونی

درآمد، برگردان متن، شرح تطبیقی
برزو قادری



انتشارات سورا

برزو قادری، ۱۳۴۹-	سرشناسه:
رساله پاتانجل ابوریحان بیرونی / درآمد، برگردان متن، شرح تطبیقی برزو قادری	عنوان و نام پدیدآور:
تهران، نشر سورا، ۱۳۹۷.	مشخصات نشر:
۳۸۶ ص. ۱۴/۵ × ۲۱/۵ م.س.	مشخصات ظاهری:
۹۷۸-۶۰۰-۹۷۳۴۶-۴-۱	شابک:
فیفا	وضعیت فهرست نویسی:
نوبت چاپ: اول	یادداشت:
کتابنامه: ص. [۳۷۳] - ۳۸۶	یادداشت:
نمایه	یادداشت:
ابوریحان بیرونی، محمد ابن احمد، ۳۶۲-۴۴۰ ق. بانتجل الہندی فی الخلاص من الارتباك - نقد و تفسیر	موضوع:
فلسفه ہندی - متون قدیمی تا قرن ۱۴	موضوع:
رفان ہندو - متون قدیمی تا قرن ۱۴	موضوع:
Philosophy, Indic - Early Works to 20 th Century	موضوع:
Mysticism -- Hinduism - Early Works to 20 th Century	موضوع:
۱۳۱۵/۲ الف/۱۳۱۵	رده بندی کنگره:
۱۸۱۲	رده بندی دیویی:
۱۳۸۱۲	شماره کتابشناسی ملی:



نشر سورا

رساله پاتانجل ابوریحان بیرونی	عنوان کتاب:
برزو قادری	نویسنده (برگردان متن عربی و شرح):
بزرگمهر حسین پور	طراح جلد:
شادی حمیدی	صفحه آرا:
چاپ اول (بعد از اضافات)	نوبت چاپ:
۱۰۰۰ نسخه	تیراژ:
۹۷۸-۶۰۰-۹۷۳۴۶-۴-۱	شابک:
۵۰۰۰ تومان	قیمت:
www.sourapublication.ir	وبسایت:
تهران، ایران، صندوق پستی ۱۹۳۹۵/۶۱۷۴	صندوق پستی:

انتشارات سورا

تلفن: ۲۲۰۰۰۵۹۳

تمامی حقوق این اثر برای نشر سورا محفوظ است.

تکثیر یا تولید مجدد آن، کلی یا جزئی، به هر صورت (چاپ، فتوکپی، صوت، تصویر و انتشار الکترونیکی)، بدون اجازه‌ی مکتوب ناشر، ممنوع و پیگرد قانونی دارد.

فهرست

دیباجه	۹
پیشینه‌ی تحلیلی و عالمت پیرامون رساله‌ی پاتانجل	۱۰
روش کار در ترجمه، شرح رساله‌ی پاتانجل	۱۲
اهمیت و ویژگی‌های اثر بیرونی	۱۶
بخش اول: جایگاه علمی فلسفه بیرونی و رویکرد او به هندشناسی ...	۲۳
۱. زندگی و آثار ابوریحان بیرونی	۲۵
۲. رویکرد بیرونی به هندشناسی	۳۶
۳. مبانی تفکر بیرونی	۴۴
بخش دوم: سیری در خاستگاه فکری رساله پاتانجالی	۵۳
۱. سرآغاز حکمت و ادوار اندیشه عرفانی فلسفی در هند باستان	۵۵
۲. درآمدی بر سامکھیا دارشانا	۶۶
۳. درآمدی بر یوگا دارشانا	۷۷
بخش سوم: رساله پاتانجالی	۹۷
۱. پاتانجالی و اهمیت رساله‌ی او	۹۹
۲. ترجمه و بررسی مقدمه‌های بیرونی	۱۰۷
۳. ترجمه و شرح تطبیقی قطعه‌ی اول	۱۲۶

۴. ترجمه و شرح تطبیقی قطعه‌ی دوم ۱۷۲
۵. ترجمه و شرح تطبیقی قطعه‌ی سوم ۲۱۴
۶. ترجمه قطعه‌ی چهارم ۲۶۲

بخش چهارم: مقایسه و شرح تطبیقی بنیان‌های فلسفی عرفانی سوتراها با

- حکمت ایرانی اسلامی ۲۶۷
۱. وحدت تا ده‌گانه‌انگاری ۲۶۸
۲. قوای نفس ۲۷۸
۳. سلسله مراتب وجود و عوالم هستی ۳۰۵
۴. سلوک و طریقت ۳۲۳
۵. کرامات ۳۳۸
۶. رستگاری ۳۵۰
- واژه‌نامه سانسکریت ۳۵۹
- اصطلاحات و واژگان سانسکریت موجود در رساله یوگاسوترا ۳۵۹
- نمایه ۳۶۷
- الف. منابع فارسی و عربی ۳۷۳
- ب. منابع انگلیسی ۳۷۹

دیباچه

جامعه بشری زمان شکل گرفت که انسان از عرصه‌ی طبیعت پای برپهنه‌ی مدنیت گذاشت، ساحتی نوساز از حیات که علیرغم ریشه داشتن در طبیعت، اما بشر امکانات طبیعی را الهام بخش داد و توانست شبکه‌ی مدنی و زیستی خود کرد. هر چند در این میان بارها به بیراهه رفت و مادر طبیعت را عزادار قوا و حیات خود کرده اما مدینه‌ی بشری ترکیبی پویا از کنش و واکنش میان انترشی و آگاهی، فرد و جمع، خودآگاهی و ناخودآگاهی است که هر چند در پسِ حصار فرهنگ‌های متعدد قرار دارد، چونیک نگریسته شود رابطه‌ای پر معنا میان تمامی آنها برآر ساخته است، گویی نطفه‌ی روح در عرصه‌ی فرهنگ‌های مختلف، تجلیاتی معنادار می‌یابد که تنها در تعامل باهم شکوفا شده و در کنار هم قابل درک بوده و سرنوشت کلی روح را شکل می‌دهند.

در این میان ژرف‌کاوانی بوده‌اند که به اهمیت این روابط پرداخته‌اند و بشریت را نه تنها از درون یک فرهنگ بلکه در گستره‌ی فرهنگ‌ها مشاهده کرده‌اند. در آن میان ابوریحان بیرونی جایگاهی رفیع دارد.

متن حاضر تلاشی برای باز نمایاندن دقت و کوشش بیرونی در معرفی بخشی از ادبیات عرفانی هندوان است که زمینه‌ساز برخوردی میان دو فرهنگ عرفانی ایران اسلامی و هند را نیز فراهم ساخته است. رساله‌ی "پاتنجال الهندی فی الخلاص من الارتباك"^۱ اوج دقت و ظرافت بیرونی را در روایتی پر معنا از فرهنگ و زبانی ناشناخته به

۱- نامی که بیرونی برای رساله‌ی یوگاسوترا انتخاب کرده است، همانطور که ذکر شد "پاتانجل الهندی فی الخلاص من الارتباك" یعنی "رساله‌ی پاتانجالی هندی در رهایی از حبس و بند" است. واژه‌ی "ارتباك"

کوچه‌های آشنای ادبیات و فهم روزگار خود نشان می‌دهد.

اصل رساله یوگا سوترا (Yoga Sutra) مجموعه‌ی رمز گفتارهایی غامض در خودشناسی است که توسط حکیمی به نام پاتانجالی (Patanjali) تدوین شده و قله‌ی قرن‌ها خودکاو، مراقبه و تفحص قومی گوشه‌نشین و درون‌گرا را در قالب یکصدواندی جمالی الهام بخش بیان می‌کند و روایت بیرونی برداشتی معقول و در ساختاری منطقی است که زیربنای منطقی قومی را نشان می‌دهد که حتی در ترجمه و گزارش الهاماتی شده‌ی نیز تلاشی بر معقول و منطقی کردن آن دارند.

بیرونی، همراه ساختن خواننده با خود آن فرازهای انتزاعی را در قالب پرسش و پاسخهایی در آورده است و بسنده که گویی روح کنجکاو خود او و در واقع روان جمعی ملتی پویاست با سوادتی ارجعوالغیب و راههای تکامل معنوی قدم به قدم فرازهای پاتانجالی را به خدمت گرفته و آنها را در ساختاری منطقی و قابل درک گزارش و نقد می‌کند.

پیشینه‌ی تحقیق و مطالعات پیرامونی رساله‌ی پاتانجل

همانطور که در بخش سوم بررسی خواهد شد، تدوین سوتراهای پاتانجالی (Patanjali) به چند قرن پیش از میلاد مسیح باز می‌گردد و لاقلاً تا چهارمین قرن پس از انراهی آن توسط ریشی پاتانجالی، شرح و گفتاری پیرامون آن موجود نیست. هر چند، ظاهر آیین رساله مبنای سیر و سلوک سالکین هندی بوده و در حوزه‌های معنوی دوران خرد، موضوع بحث و گفتگو بوده است ولی در هر حال در ۴۵۰ بعد از میلاد، ویاسا (Vyasa) اولین شرح را بر این متن تنظیم کرده است و از آن پس اندیشمندان و راهبان هندو به مرور ایام شروح دیگری را بر آن افزوده‌اند.

اما اولین روایت خارجی از این رساله توسط بیرونی و تحت عنوان کتاب باتنجل

مصدر باب افتعال از ریشه‌ی ربک است، همانطور که در المنجد آمده است: ارتبک فی الامر ولم یکد یتخلص منه یعنی به کاری درگیر شد که تقریباً امکان‌هایی از آن برایش امکان پذیر نبود. پس "ارتبک" یعنی حبس شدن، درگیر شدن و گرفتار آمدن و منظور از آن در اینجا حبس و گرفتاری نفس به زندان دنیا است.

الهندي في الخلاص من الارتباك" بوده و تا قرن‌ها پس از بیرونی نیز کسی از سایر فرهنگ‌ها و زبان‌ها این رساله را کشف و ترجمه نکرده است. بیرونی این رساله را چون تحفه‌ای والا برگرفته از ادراک و بصیرت خواص هندوان برای علاقه‌مندان به معارف معنوی به زبان عربی چنانکه در مقدمه‌ی همین رساله به آن تأکید می‌کند ترجمه و پیشکش کرده است.

خاتمه‌ی این رساله در دوران حیات بیرونی سرآغاز تأملات و بحث‌هایی توسط صوفیای و سالکان مسلمان حول مضامین این رساله شده است، تا حدی که بیرونی خود به این امر مدعی تحقیق ماللهند اذعان کرده است:

«و از طریق (آ) و (ب) پاتانجالی، صوفیه به حق (و وصول به آن) اشتغال ورزیدند...»

کتاب الهند ص ۶۶

و حتی چه بسا مضامینی که ابن سینا و نایب دهم اشارات پیرامون کرامات عرفا طرح می‌کند با نظر به مفاهیم مطروحه در قطعه‌ی سوم رساله‌ی پاتانجالی باشد. زیرا گذشته از موضوع مشترک، برخی مفاهیم نیز از زاویه مشابهی دیده و ادراک شده است.

در هر حال این رساله به فراموشی سپرده شد. تا آن‌که مستشرق آلمانی هاوئر (Hauer, J.W) در سال ۱۹۳۰ میلادی این رساله را در استانبول، یونان، پیدا کرده و تحت عنوان نسخه‌ی خطی جدید از سوتراهای پاتانجالی در مجله‌ی مطالعات شرق‌شناسی آلمان معرفی می‌کند. ظاهراً این موضوع مورد توجه شرق‌شناسان دیگر نیز قرار گرفته تا جایی که لوئی ماسینیون در سال ۱۹۵۱ در یادنامه‌ی بیرونی به این رساله نیز اشاره کرده است. اما اولین توجه جدی به این رساله در دوران معاصر توسط هلموت ریتز بود. او این متن را خوانده، تصحیح کرده و همراه با حواشی مفصلی در سال ۱۹۵۶ در مجله‌ی شرق‌شناسی (Oriens) آلمان منتشر ساخت. در سال ۱۳۷۹ (معادل ۲۰۰۱ میلادی) منوچهر صدوقی سه‌ها متن تصحیح شده ریتز را مجدداً تصحیح و در تهران به زیور طبع آراست. متأسفانه ایشان نسخه‌ی خطی این رساله را که ظاهراً در مجموعه‌ی رسائل و اشعار باقیمانده از

سده‌های هشتم و نهم به شماره‌ی ۱۵۸۹ در کتابخانه‌ی کوپرولوی استانبول موجود است پیدا نکرده و لذا متن خوانده شده‌ی ریترا مجدداً تصحیح کرده‌اند. با کمال تأسف اینجانب نیز با تمام تلاشی که انجام دادم نتوانستم نسخه‌ی خطی این رساله را پیدا کنم. ولی خوشبختانه محقق‌ی چون ریترا بهتر از هر کسی می‌توانسته این نسخه را بخواند و تأمل و تدبیر ژرف و همت والای استاد عزیزم منوچهر صدوقی سها نیز امکان طبع مناسب این رساله را در ایران به نیکی فراهم ساخت.

از سوی دیگر، تنها تلاشی که در شرح و تطبیق این رساله با اصل متن سانسکریت انجام شد در سال ۱۹۶۶ توسط پینس (Pines, S.) و گلبوم (Gelblum, T.) بوده که البته تنها قطعه‌ی آن نیز چنانچه از قطعه‌ی رساله‌ی پاتانجالی مورد شرح و بررسی آن اساتید قرار گرفته است.

سرانجام متن حاضر تلاشی است در شرح و تطبیق ترجمه‌ی بیرونی با اصل متن سانسکریت که خواسته ناخواسته شامل ترجمه‌ی مقدمات و سه قطعه‌ی اول از متن بیرونی از عربی به فارسی، ترجمه‌ی سوره‌ها از سانسکریت به فارسی، بررسی شروح متعدد سنتی و معاصر و تطبیق و مقایسه‌ی آنها با هم می‌شود. در آغاز این شرح و تطبیق، به بررسی رویکرد بیرونی به مطالعه‌ی هندو و هندشناسی و خاستگاه فکری رساله‌ی پاتانجالی پرداخته شده و در پایان قطعات نیز به بحث مستقلی به بحث تطبیقی عرفان مبتنی بر سوتراها با عرفان ایرانی اسلامی اقدام شده و امیدوارم این متن بتواند ذره‌ای از ارزش رساله‌ی بیرونی را نمایان سازد.

روش کار در ترجمه و شرح رساله‌ی پاتانجل

همانطور که اشاره شد این متن متمرکز بر سه محور است:

الف- آشنایی با ارزش کار بیرونی در هندشناسی و گستره‌ی دانش او در بازشناسایی علوم، معرفت و فرهنگ هندو، همچنین بازنمایی خاستگاه فکری و سیر تکامل تفکر عرفانی هندوان که زمینه‌ساز سرودن فرازهای رساله‌ی پاتانجالی بوده است.

ب- ترجمه‌ی رساله‌ی پاتانجل هندی از عربی به فارسی (که بیرونی آن را از زبان

سانسکریت در ساختاری ویژه به عربی برگردانده است) و متقابلاً ترجمه‌ی اصل سانسکریت این متن به زبان فارسی و مقایسه‌ی آن با ترجمه‌ی بیرونی و شرح تطبیقی این دو ترجمه با نظر با مفاهیم و آراء عرفانی مطروحه در رساله که از مرزهای ژرف‌ترین پژوهشهای معنوی هندوان است.

ج- تحلیل و مقایسه‌ای میان برخی مبانی عرفانی منتج از رساله‌ی پاتانجالی با دستاوردهای فلسفی عرفانی صوفیه و عرفای مسلمان و احیاناً پیدا کردن اختلافات و شباهت‌های معنوی موجود در این مکاتب که ما را به شناخت دقیق‌تر فلسفه‌ی عرفانی هندیان رهنمون سازد.

البته بخش عمده‌ی این متن همان رساله‌ی پاتانجالی (بند ب) است که موارد الف و ج برای درک و فهمیدن بهتر آن به اصل این مجموعه افزوده شده است.

در رابطه با ترجمه‌ی این رساله از عربی به فارسی، به نکات ذیل توجه فرمایید:

۱. متن مورد استفاده اینجا، برای ترجمه، متن تصحیح و چاپ شده توسط منوچهر صدوقی سهاست که ایشان نیز بر اساس جامع هلموت ریتر به تصحیح مجدد متن دست زده‌اند.

۲. در مواردی که کلمه یا کلماتی در اصل متن، مخدوش شده و بناچار مصححین نزدیک‌ترین انتخاب به باقیمانده‌ی حروف را گذاشته‌اند، من با توجه به ارتباط مفهومی با متن سانسکریت به گزینش مناسب‌ترین واژه پرداخته‌ام. به عنوان مثال در پرسش سی‌ام چنین آمده است:

«قال السائل: كيف يكون حال النفس اذا خصلت بين (الفجور) و (انعام) ثم انشبت بحسب المواليذ للانعام و الانتقام؟»

واژه‌ی «الفجور» در این جایگاه پیشنهاد صدوقی سهاست و ریتر آن را «الاجور» خوانده است. «فجور» و «انام» مترادف و «اجور» و «انام» مقابل هم هستند، به نظر می‌رسد با توجه به «انعام» و «انتقام» در طی این پرسش، و پاسخ ارائه شده به این سؤال (تَرَدَّدُ بحسب ما قَدَّمت و اجترحت فیما بین راحه و شدّه و تصرف بین آلم و لذّه). که مجدداً «راحه» و «شده» و «الم» و «لذه» در برابر هم نهاده شده‌اند باید واژه‌ی مخدوش شده را «الاجور»

خواند و نه "الفجور" که ترجمه‌ی آن می‌شود: «حالی نفس هر گاه به اعمال مستوجب اجر و یا عذاب بپردازد و در نتیجه در حبس و بند (تولدهایی) برای نعمت بخشیده شدن یا انتقام گرفتن درهم و مشتبه شود، چیست؟» و این معنا با اصل متن سانسکریت سازگار است، آنجا که نتایج خیر (hlada) و عذاب آور (paritapa) را با علل شایسته (punya) و ناشایست (apunya) مربوط می‌کند (سوتراها ۱۴-۲) و اصولاً طبق فلسفه‌ی سوتراها انسانها بین خیر و شر در تردد هستند تا آنکه بتوانند وارستگی را به کمال رسانده و از کل چرخه‌ی بازپیدایی که شامل آسایش و ناراحتی هر دوست، رها شوند.

در هر حال در چند مواردی، واژه‌ای را که با اصل سوتراها به لحاظ مفهومی مناسب داشته است، به عکس برگردانده و سایر احتمالات و واژه‌های پیشنهادی را نادیده گرفته و در ترجمه به آنها اشاره نشده است.

۳. ظاهراً برخی صفحات نسخه در خلال را موریانه زده و کلماتی به کلی ساقط شده‌اند مثل پاسخ پرسش بیست و هشتم:

«قال المجیب: هو طلب الخلاص فاذا احاطت بالنفس و غمرتها لم یخل من اكتساب جزاء؟ و احر... و له؟... یقتضی... منها حرام بالكسب او؟ المكافات و ان كانت فی الاخری موهومه فائتها فی الدنیا محسوسه معلومه...»

در چنین مواردی نهایت سعی خودم را کرده‌ام تا بر اساس معنای کلمات قبل و بعد متن و ناظر بر اصل سوتراها ترجمه‌ای قابل درک ارائه شود و آنچه به منظور فهم عبارات اضافه شده داخل گیومه قرار گرفته است تا از اصل متن تفکیک شود. و اگر کلماتی را هم که مجبور بوده‌ام بر اساس یکی دو واژه حدس زده و بسازم مجدداً در گیومه قرار داده‌ام. هر چند که تعداد آنها بسیار اندک است.

به این ترتیب عبارت بالا چنین ترجمه شده است: «پاسخ‌دهنده گفت: [غایت نهایی] جستجوی آزادی و رهایی است و این قوای پنجگانه هر گاه بر نفس احاطه یافته و آن را بیوشانند [به ناچار باید در پی کسب راه و جزایی برای مکافات آن قوا بود تا نفس از اثر آنها رها شود] چه آنکه اگر اثر آن [قوا] در دیگری [تولد دیگر] موهوم باشد ولی آن آثار در این دنیا معلوم و محسوس می‌باشد...»

۴. در ترجمه‌ی متن سوتراها، به اصل متن سانسکریت توجه داشته‌ام و در میان ترجمه‌های این متن به انگلیسی، ترجمه‌ی فیورشتاین (Feuerstein G) را قابل اعتمادتر از سایر ترجمه‌ها یافته‌ام و لذا از آن ترجمه نیز استفاده کرده‌ام هر چند که تقریباً تمامی ترجمه‌های انگلیسی دیگر این متن را هم با ترجمه‌ی خود مقایسه کرده‌ام. در آغاز هر قطعه، ترجمه‌ی فرازهای سانسکریت به فارسی آورده شده و آنجا که متن بیرونی از عربی بازگردانده شده، آن با "ترجمه": مشخص شده و نوع خط نیز تفسیر کرده است. شرح پرسش و پاسخ‌ها بیشتر تطبیق آنها بر سوتراهایی است که بیرونی با اس‌انها، عبارات خود را ساخته است و احیاناً روشن ساختن مفهوم آن فرازها بر اساس تفاسیر موجود، اعم از تفاسیر سنتی و کهن و شروح جدیدتر که به این روزگار تنطه شده‌اند، در ذکر منابع و مأخذ قابل پی‌گیری هستند.
۵. واژه‌های سانسکریت که در متن به کار رفته است با حروف لاتین در مقابل آنها نشان داده شده تا تلفظ آنها بر زبان کسانی که با ادبیات سانسکریت آشنا نیستند ساده باشد. و از سوی دیگر مجموعه اصطلاحات سانسکریت به کار رفته در رساله‌ی سوتراها در پایان این متن با ترجمه قرار داده شده تا در صورت نیاز استفاده شود.
۶. قسمت‌هایی از متن عربی که آن را موریانه خورده بر اساس اصل متن سانسکریت نیز قابل تشخیص نبوده و نمی‌توان بخش افتاده را به دقت حدس زد با علامت ؟ نشان داده شده است. مثل مواردی در پرسش چهارم و البته آن غیر از مواردی است که ساختار جمله پرسشی است و لذا علامت بر پایان جمله آورده شده است.
۷. به نظر می‌رسد مناسب‌تر بود که اصل متن بیرونی به زبان عربی در پایان این رساله به عنوان مرجع و برای صاحب‌نظران و آگاهان به ادبیات عرب آورده می‌شد. ولی از آنجا که متن کامل رساله به زبان عربی با تصحیح منوچهر صدوقی سه‌ها توسط پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی چاپ و تکثیر شده است، از تکرار آن صرف‌نظر شد.